

حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "جز نور مشرق تابان به قلوب روح و ریحان نبخشد و غیر از شمع عالم افروز رحمن ظلمات امکان را محو ننماید." (ص ۳۰۳ منتخبات مکاتیب ج ۶)

مسرت روحانی

بخش روحانی

- ۱) مناجات شروع از آثار حضرت عبدالبهاء
- ۲) نصوص مبارکه حضرت بهاءالله
- ۳) ترجمه مناجاتی از حضرت عبدالبهاء
- ۴) از خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء
- ۵) گزیده ای از آثار حضرت مولی الوری

بخش اداری

- ۶) از بیانات حضرت ولی محبوب امرالله
- ۷) منتخباتی از پیام بیت العدل اعظم به تاریخ ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳
- ۸) از بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء خطاب به لوا گتسینگر
- ۹) حکایتی از ایام بغداد
- ۱۰) اگر مسرور نباشیم نمی توانیم به حیات روحانی پی ببریم.
- ۱۱) شور و پیشنهادات:
- چگونه می توانیم خود و دیگران را از قید حزن و اندوه و فرسودگی روحانی محفوظ داریم و شعله شور و شوق و سرور حقیقی را در قلوب فروزنده نگاه داریم؟
- ۱۲) برنامه نونهالان و نوجوانان

بخش اجتماعی

- ۱۳) الفت و پذیرائی
- ۱۴) مناجات خاتمه

۱) مناجات شروع

هو الله

ای خداوند، روحی در دلها بدم که همدم تو گردند و شوقی در قلوب بینداز که بذکر تو دمساز شوند جانها را شور و ولهی ده و دلها را وجد و طربی بخش که هر دم روحی تازه یابند و بسروری بی اندازه رسند. ای خداوند مهربان، یاران را روح و ریحان بخش و تأییدی آسمانی فرما تا تشنگان را سلسبیل هدایت دهند و گمگشتگان را به سبیل عنایت دلالت کنند. توئی مقتدر و توانا و شنونده و بینا ع ع

۲) نصوص مبارکه حضرت بهالله

يَا ابْنَ الْبَشَرِ

إِنْ أَصَابَتْكَ نِعْمَةٌ لَا تَفْرَحْ بِهَا، وَإِنْ تَمَسَّكَ دَلَّةٌ لَا تَحْزَنَ مِنْهَا، لِأَنَّ كِلْتَيْهِمَا تَزُولَانِ فِي حِينٍ وَتَبِيدَانِ فِي وَقْتٍ.

يَا ابْنَ الْإِنْسَانِ

أَفْرَحْ بِسُرُورٍ قَلْبِكَ، لِتَكُونَ قَابِلًا لِلِقَائِي وَمِرَاةً لِحِمَالِي. (کلمات مکنونه)

و نیز می فرماید:

أَنْ أَفْرَحُوا بِذِكْرِي إِنَّهُ مَعَكُمْ فِي كُلِّ حِينٍ. (مجموعه ای از الواح بعد از کتاب اقدس ص ۱۷۱)

۳) ترجمه مناجاتی از حضرت عبدالبهاء

دیگر محزون نخواهم بود و مغموم نخواهم گشت؛ مسرور و محبور خواهم شد. خدایا، دیگر مضطرب نخواهم شد و اجازه نخواهم داد آلام بر من محیط شود و بر امور غیر مرضیه زندگی اندیشه نخواهم کرد.

(زر و آتش ص ۱۳۸)

۴) از خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء

سرور قلب انسان به محبت الله است؛ بشارت روح انسان به معرفه الله است. اگر قلب انسان به خدا تعلق نیابد به چه چیز خوش گردد؟ اگر امید به خدا نداشته باشد، به چه چیز این حیات دو روزه دنیا دل بندد؟ و حال آن که می داند چند روز است، محدود است منتهی می شود. پس باید امید انسان به خدا باشد، زیرا فضل او بی انتهاست، الطاف او قدیم است، مواهب او عظیم است، خورشید او همیشه می درخشد، ابر رحمت او همیشه می بارد، نسیم عنایت او همیشه می وزد.

(زر و آتش ص ۱۳۹)

(۵) گزیده ای از آثار حضرت مولی الوری

لذات روحانیّه همیشه مورث سرور است عشق الهی سبب سرور بی منتهی است. اینها فی نفسه سرور و شادمانی اند نه مسکن و مسلی. (ترجمه)

(شفای الهی ص ۷۹)

وقوله المحبوب: همیشه مایه سرور قلوب گردید زیرا بهترین انسان کسی است که قلوب را بدست آرد و خاطری نیازارد و بدترین نفوس نفسی است که قلوب را مکدر نماید و سبب حزن مردمان شود همیشه بکوشید که نفوس را مسرور نمائید و قلوب را شادمان کنید تا بتوانید سبب هدایت خلق گردید و اعلان کلمه الله و نشر نجات نمائید.

(امر و خلق ج ۳ ص ۱۳۶)

و نیز می فرمایند: مسرور و محبوب باش و به حمد و ثنای الهی قیام کن تا شکر و سپاست موجب تزیید مواهب الهیه گردد. (ترجمه)

(شفای الهی ص ۷۷)

۶) از بیانات حضرت ولی محبوب امرالله

شیربیشه اعتماد و اطمینان باشید

با توجه به شرایط شما، هیکل مبارک قویاً توصیه می فرمایند به خود مشغول نباشید. هر یک از ما، اگر به نقائص خویش بنگریم، مطمئناً احساس یأس و عدم لیاقت می کنیم، و چنین احساسی فقط مساعی خلاق و سازنده ما را عقیم می سازد و موجب اتلاف اوقات ما می گردد. آنچه که باید به آن توجه تام داشته باشیم، جلال و عظمت امر مبارک و قوه حضرت بهالله است که می تواند قطره را به بحری موج تبدیل نماید. مسلماً شما حق ندارید احساسات منفی را به خود راه دهید؛ شما به چنین امر عظیمی اقبال نموده و با خلوص تمام به خدمت آن قیام کرده اید و حضرت ولی امرالله و نیز سایر بهائیان مساعی و زحمات شما را مورد تقدیر قرار می دهند. شما که مستظهر به حقیقت مثبتة امرالله و تعالیم آن هستید، باید به معنای حقیقی، شیربیشه اعتماد و اطمینان باشید. هیکل مبارک برای شما دعا می فرمایند تا به آنچه که باید و شاید نایل گردید.

(زر و آتش ص ۱۴۴)

حیات هر نفسی از هر دو وجه تیره و روشن برخوردار است.

هیکل مبارک به شما توصیه می فرمایند که استقامت نمایید و بر توفیقات خویش بیفزائید نه این که بر جنبه تیره و مظلم امور تفکر کنید. حیات هر نفسی از هر دو وجه تیره و روشن برخوردار است. حضرت عبدالبهاء می فرمایند از ظلمات زندگی خود اعراض نمائید و به من توجه کنید. (زر و آتش ص ۱۴۵)

اگر وجود خود را به امر مبارک اختصاص دهیم...

احبای الهی باید قدرت روح القدس را که در این زمان به واسطه ظهور حضرت بهالله بارز گشته و در حال تجدید حیات روحانی آنان است، درک کنند. اگر آنها خود را تماماً تحت نفوذ و هدایت روح القدس قرار دهند، هیچ قدرتی، اعم از آسمانی یا زمینی، نمی تواند بر آنها تأثیر بگذارد. نفوسی که از عوامل منفی در این عالم فانی متأثرند کسانی هستند که وجود خود را به نحوی صحیح به امر مبارک اختصاص نداده اند. (زر و آتش ص ۱۴۷)

استغراق در بحر تعالیم آسمانی موجد امنیت و سرور است.

اگر مؤمن صادق و موقن جدی به حضرت بهالله خود را در بحر این تعالیم آسمانی مستغرق سازد و در اعماق آنها به تفحص پردازد، و در نهایت توجه و دقت از هر یک از آنها ظرائف اسرار و حکم عالیه را که مندمج در آن است استنباط و استخراج کند، حیات چنین شخصی، اعم از مادی، فکری و روحانی، از آلام و اوجاع مصون، از خطرات و موانع محفوظ، و از هر حزن و اندوهی مبرا خواهد بود. (زر و آتش ص ۱۰۹)

تبلیغ موجب مسرت است.

برای تقدیر و سپاس از این موهبتی که خداوند به ما عنایت فرموده، باید قیام کنیم و پیام امید بخش حضرتش را به عالم انسانی رنج کشیده و درمانده اطراف خود برسانیم. ماهیت این موهبت چنان است که هر چه آن را بیشتر به دیگران عرضه نمائیم، سهم باقیمانده برای ما بیشتر خواهد بود. زیرا چه لذتی می تواند با لذت مسرور کردن دیگران و امید بخشیدن به قلوب آنها قابل مقایسه باشد. هر چه دیگران را بیشتر مسرور سازیم، مسرت خاطر خود ما افزون تر خواهد شد و احساس خدمت به عالم انسانی در ما عمیق تر و شدید تر خواهد گشت. (زر و آتش ص ۱۶۷)

(۷) منتخباتی از پیام بیت العدل اعظم به تاریخ ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳

در دنیای پر آشوب امروز تنها شما قربانی بیدادگری نیستید. شمار ستمدیدگان جهان سر به هزاران هزار میزند... آنچه مخصوصاً سبب تشویش خاطر بعضی از ناظران آگاه و تیز بین شده این است که صدمات روحی و روانی ناشی از ظلم و ستم به مراتب بیش از لطمات جسمانی و مادی آن است. بنظر ایشان هدف عاملان این گونه تعدیات و تزییقات آنکه روحیه فرد قربانی را تضعیف کنند. حیثیتش را از بین ببرند. حقوق فردی و اجتماعی او را سلب نمایند و بدین ترتیب خود را مجاز دانند که کمترین ملاحظه ای نسبت به او روا ندارند. در نتیجه ادامه چنین شرائطی چه بسا قربانیانی که اعتماد به نفسشان را از دست دادند، از روحیه ابتکار که خصیصه طبیعت انسانی است عاری گشتند، عزم و اراده خود را باختند و بازیچه دست حاکمانشان شدند و چه بسا افرادی چنان به آن وضع خو گرفتند که در فرصت مناسب خود نیز همان رفتار ظالمانه را نسبت به دیگران روا داشتند.

حال اهل بصیرت مترصدند که بدانند چه نیروئی شما عزیزان را از این گونه فرسودگی روحانی محفوظ داشته است و با استفاضه از چه منبع الهامی توانسته اید قلوبتان را از نفرت و کینه پاک و منزّه سازید و با آنان که بر شما ستم روا داشته اند با بزرگواری و عطوفت رفتار نمائید و محبت جاودانه خود را نسبت به سرزمینی که در آن متحمل بلائی لاطحصی شده اید حفظ کنید. چگونه است که بعد از یک قرن و نیم مقاومت در مقابل تزییقات متتابعه و علیرغم برنامه های منظم جهت ریشه کن ساختن جامعه بهائی هنوز شما در مساعی خویش برای رسیدن به اهداف عالیه روحانی و اخلاقی با عزت و افتخار ثابت قدم مانده اید؟ این بیان منبع مبارک حضرت بهالله جوابگوی آن پرسشهاست :

"هر ناری مخمود مشاهده می شود مگر ناری که لِحُبِّ الله در قلوب ظاهر و مشتعل است. هر شجر محکمی را اریاح قاصفه براندازد مگر اشجار بستان الهی را و هر سراجی خاموش مگر سراج امر الهی که در وسط عالم روشن و منیر است. اریاح بر نورش بیفزاید و اطفاء او را نیابد."

پاسخی که تاریخ به جویندگان رمز قوای روحانی بهائیان ایران خواهد داد این است که شما عزیزان پرورده دست باغبان آن بستان الهی و صنع چنین کلمات خلاقه یزدانی هستید...

جوهر این آیات مبارکه در این نصیحت مشفقانه حضرت عبدالبهاء که همه از کودکی با آن پرورش یافته اید نهفته است: "بهائی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی."

واقع بینی و چاره جوئی و کردانی و ابتکاری که در سالهای اخیر از خود به ظهور رسانیده اید سبب تسکین قلوب بهائیان و تحسین دیگران در سراسر جهان گشته است... بلی در شرائطی چنین دشوار جامعه بهائی ایران مستغرق در بحر آثار مبارکه الهیه با شور و هیجان به حیات و ترقیات روحانیه خویش ادامه می دهد و این شوق و شور فقط می تواند ثمر محن و بلا یا در سبیل الهی باشد.

۸) از بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء خطاب به لوا گتسینگر

"تو باید در هدف خود محکم و پای بر جا باشی. مبادا، مبادا بگذاری هیچ امری و هیچ شرایطی تو را پریشان و مضطرب سازد. من تو را به هندوستان می فرستم که نتایج معینی از این سفر به دست آری. تو باید با روحیه ای استوار و خلل ناپذیر، با نور ایمان، همواره مشتعل و منجذب و با عزمی راسخ و استوار به آن کشور بروی تا در خدماتی که تو را برای اجرای آنها می فرستم، موفق گردی. هیچ تشویشی به دل راه مده. اگر با این شرایط ثبوت و رسوخ به آنجا بروی و این حالت در تو ثابت و بی تغییر بماند، آن وقت خواهی دید که چگونه ابواب ملکوت به روی تو گشوده خواهد شد. حیات تو به ازهار و ریاحین جنت نعیم آراسته خواهد شد و خود را در اوج موفقیت خواهی یافت.

شب و روز بکوش تا به این مقام بلند نائل گردی. به من نگاه کن! نمی دانی که هر روز هزار گونه مشکلات که غلبه بر آنها در ظاهر ممتنع و محال است، در پیش روی دارم. ولی من به آنها اعتنا نمی کنم، به راهی که انتخاب کرده ام می روم. مقصد و هدف را می شناسم. اگر صدها طوفان و طغیان های خشم آگین دور سرم بچرخد، صدها کشتی تایتانیک به قعر دریا فرو رود و امواج توفنده به عنان آسمان رسد، هیچ یک در هدف من اثری نخواهد کرد و من را به قدر ذره ای پریشان نخواهد ساخت. به چپ و راست نگاه نمی کنم و همواره به جلو و به دورها نظر دوخته ام. در ظلمت شب های تار از پس امواج غرنده و اریاح توفنده، نور ابهی را مشاهده می کنم که به من اشاره می کند: به پیش، به پیش! نسیم باد صبا خواهد وزید و مسافر به سلامت به مقصد خواهد رسید...." (ترجمه به مضمون)

لوا گتسینگر (منادی عهد)

۹) حکایتی از ایام بغداد

دشمنان امر با ملاحظه عظمت و جلال خدادادی جمال مبارک خاضع و خاشع می شدند از جمله در ایام اولیّه ورود به بغداد روزی حضرت بهالله به همراه بعضی از اصحاب از ملک شاهزاده علی شاه ظلّ السلطان عبور می فرمودند کلام اهانت آوری درباره امر مبارک از بعضی افراد متعلق به خانواده شاهزاده به گوششان رسید حضرت بهالله بلافاصله برگشتند و آن افراد را به سبب رفتار ناشایسته شان به شدت توبیخ نمودند و تقاضای تنبیه آنان را از طرف اربابشان خواستار شدند ضمناً به جمعیت فرمودند که به شاهزاده متذکر شوند که نه قدرت ناصرالدین شاه و نه تضحیقاتی که وی به بایان وارد نموده هیچکدام نتوانسته در آنان مؤثر شود و روحیه آنان را تضعیف کند و یقیناً اثر مخالفت شاهزاده نیز به مراتب کمتر خواهد بود بیانات جمال مبارک در آن روز بقدری قوی و نافذ بود که شاهزاده افراد خود را مجازات کرد و با تمام تکبر و غروری که داشت فرزندش شجاع الدوله را برای عذر خواهی به حضور مبارک فرستاد.

(نفحات ظهور حضرت بهالله ج ۱ ص ۲۷۶)

۹) اگر مسرور نباشیم نمی توانیم به حیات روحانی پی ببریم.

خانمی از احتیای اولیّه به عکا رفت. او از خانواده ای ثروتمند و از گروه مردمان اهل مد نیویورک بود. زندگی اش معمولی بود و تقریباً رضایتش را جلب نمی کرد. او قبلاً مسیحی مخلص و مؤمنی بود، اما نتوانسته بود آن طور که شاید و باید از دیانت خودش آرامش لازم را کسب کند. اندکی افسردگی پیدا کرده بود. موقعی که در سفر خارج از کشور بود، مطالبی در مورد حضرت عبدالبهاء شنید. با اشتیاق تمام پیام آن حضرت را گرفت و راهی شهری شد که ایشان در آنجا زندانی بودند. وقتی به مقصد رسید همه چیز او را مجذوب کرد و از همه بیشتر حضرت مولی الوری. او متوجه شد که حضرت عبدالبهاء همواره در هنگام روبرو شدن با او می فرمودند: "مسرور باش." هیکل مبارک با سایر اعضاء گروه این برخورد را نداشتند. این موضع آزارش می داد. بالاخره از کسی خواست که از حضرت مولی الوری بپرسد که چرا اینگونه با او برخورد می فرمایند. هیکل مبارک با همان لبخندی که به نحو غریبی نور و سرور می بخشید، جواب دادند: "به تو می گویم مسرور باشی چون اگر مسرور نباشیم نمی توانیم به حیات روحانی پی ببریم."

در این حال، ترس و نگرانی خانم به پایان رسید و عدم اعتماد به نفسش همراه با نومیادی از بین رفت.

(جوان تواند که عالمی را به حرکت در آورد ص ۳۹)